

حرفه‌ای مهجور به نام حسابداری

ابوالقاسم فخاریان

کشورها و اعتلای حرفه حسابداری در مقیاس جهانی می‌پردازند.

به عنوان شاهد مثال از اهمیت حرفه‌ی حسابداری، در تجربه‌ی شخصی خود در سه نوبت حضور در دادگاه لاهه در پرونده‌های دعاوی مالی بین ذی‌نفع‌های آمریکایی و نمایندگان سازمان‌ها و شرکت‌های ایران، شاهد بودم که اثبات یک اصل حسابداری (مثلاً تداوم فعالیت) می‌توانست میلیون‌ها دلار را به نفع یک طرف و زیان طرف دیگر جابه‌جا کند.

در کشورهای پیشرفته مؤسسات غول‌آسای حسابرسی، علاوه بر خدمات مؤثر اطمینان‌بخشی و کمک به سلامت بنگاه‌ها با پشتیبانی مالی قوی و با یاری نیروهای صاحب‌دانش وسیع به پژوهش‌های دامنه‌دار و عمیق و ارائه‌ی محصولات فکری ارزشمند و راهگشا برای حل مسایل اقتصادی و کمک به بازار سرمایه و بنگاه‌های اقتصادی مبادرت می‌کنند و از این رهگذر صاحب جایگاه و مقام ارجمندی‌اند.

حسابدارانی که در کسوت حسابرس و یا مدیر مالی در سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی این کشورها فعالیت می‌کنند،

دست یازیده است، حاصل خرد جمعی و مساعی درازمدت و پر دامنه‌ی اهالی این حوزه از عمل، هنر و یافن در محافل علمی و انجمن‌های حرفه‌ای بوده است. گستردگی و پیچیدگی مفاهیم و مقوله‌های حسابداری از یک‌سو و اهمیت و تأثیرگذاری حاصل کار حسابداران و حسابرسان بر استحکام بخشیدن به نظام اقتصادی از سوی دیگر است که در دانشگاه‌های معتبر جهان تا سطح مطالعات تکمیلی و دکتری تخصصی حسابداری برپاست و با تعمق بر جنبه‌های نظری و تئوریک، در رساله‌های دکتری تدوین و عرضه می‌شود.

انجمن‌های حرفه‌ای Professional Bodies صاحب‌نام تقریباً در تمامی کشورها تأسیس یافته و به سامان‌دهی حرفه در کشورهای خود می‌پردازند. نهاد بزرگ جهانی به نام فدراسیون بین‌المللی حسابداران IFAC به سامان‌دهی حرفه، تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی جهان‌شمول و تنظیم موازین و آیین رفتار حرفه‌ای در جهت هماهنگی و هم‌زمانی حسابداران همه‌ی

آنچه که امروز در دنیا به عنوان حرفه‌ی حسابداری (Accounting Profession) به صورت

عام و یکی از حوزه‌ها و یا شاخه‌های پر اهمیت آن، به نام حسابرسی و در نتیجه‌ی آن اطمینان‌بخشی شناخته می‌شود حرفه‌ای است شریف که در خدمت افزایش سلامت مالی بنگاه‌ها و سازمان‌ها در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی (دولتی و خصوصی) قرار دارد که در ادامه مطلب به لحاظ وسعت شمول از عنوان «حرفه‌ی حسابداری» استفاده خواهیم کرد.

حرفه‌ی حسابداری یکی از محدود حرفه‌هایی است که کارگزاران و متولیان آن برای انجام کار خود سوگند یاد می‌کنند (همانند پزشکان و وکلا) بدین سبب بسیاری ذی‌نفع‌ها آنان را مورد وثوق قرار داده به گزارش‌ها و اظهارنظرات آنان اتکا می‌کنند و تصمیمات خود را به پشتوانه و اطمینان نسبت به این گزارش‌ها و اظهارنظرها اتخاذ می‌کنند. این مقام و جایگاه ارجمندی که حرفه‌ی حسابداری به آن



علاوه بر حرمت و منزلت از سطح درآمد بالا و شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردارند.

حقوق و مزایای این حسابداران جزء چند گروه نخست درآمدزایی است و در صدر مصطبه‌ها جای دارند. بسیاری از اینان با پیشینه‌ی دانش حسابداری و البته تلفیق آن با دانش و تجربه‌ی سیاسی، جزء رجال مملکت‌های خویش‌اند. به‌عنوان نمونه‌ی برجسته می‌توان از گوردون براون نخست وزیر سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ انگلیس نام برد که حسابدار قسم‌خورده (CPA) است.

اما وضع و حال حسابداری و حسابداران در کشور ما حکایتی دگر است. مقدمتاً باید بپذیریم که حرفه‌ی حسابداری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حوزه اقتصادی و کارکرد آنست که به ناگزیر با پیشرفت و شکوفایی اقتصادی ملازمه دارد. نمی‌توان در یک اقتصاد بیمار و کوچک‌مقیاس با بازار سرمایه‌ی کم‌جان و بی‌رمق، بانک مرکزی به دور از نقش و مقام ناظر-هدایتگر و مستقل، سیستم بانکی در آستانه‌ی ورشکستگی، صنعت درمانده و از همه مهم‌تر لنگ

بودن پای قانون‌مداری، انتظار داشت حرفه‌ی حسابداری آن‌چنان که بایسته است رشد یابد و به مقام و منزلت شایسته‌ی خود دست یابد. به چند عارضه‌ی مبتلا به حرفه‌ی حسابداری ایران به شرح زیر اشاره می‌کنم.

نهادهای حرفه‌ای اصلی ما، شامل جامعه‌ی حسابداران رسمی، انجمن حسابداران خبره ایران و سازمان حسابرسی از سازوکارهای مناسب، اهداف و استراتژی‌های ارزش‌آفرین و مکانیسم‌های لازم برای سنجش پیشبرد موفقیت‌آمیز برنامه‌هایی که تدوین می‌کنند برخوردار نیستند.

علی‌رغم کوشش‌هایی که به‌عمل آمده و گام‌های مثبت اندکی که برداشته شده، «جامعه» در بسیاری از عرصه‌ها انتظارات ذی‌نفع‌های خود را به‌ویژه در صیانت از حقوق اعضای خود برآورده ننموده ادوار شورای عالی و هیأت مدیره‌ها و کارگروه‌ها هم به لحاظ توانمندی‌های فرعی، عدم انسجام لازم و محدودیت‌هایی که با آن مواجه‌اند، از ظرفیت‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت راستین خود بازمانده‌اند.

در شرایط کنونی همزمان یک طرح در مجلس و یک لایحه در دولت در حال تصویب است که نقش راهبری‌کننده و نظارتی جامعه را به‌شدت تضعیف خواهد کرد و جامعه را بیش‌تر به سمت یک نهاد دولتی‌شده‌تر سوق خواهد داد. نقد و نظر و پیشنهادهای مشفقانه‌ی اهل حرفه همانند بسیاری از مسایل دیگر کشور، مانند ساختن سدهای بی‌رویه و زیان‌بار و آسیب‌رسان به محیط زیست و امثالهم گوش شنوایی نداشته است، که «چنین کنند بزرگان»!

سازمان حسابرسی سخت در فضایی دولتی ادامه‌ی زندگی می‌دهد. سعی بلیغ آنان در انتشار کتاب‌های متعدد ارزشمند و اهتمام آنان در تدوین استانداردها را البته باید ارج نهیم، اما به‌واسطه‌ی حجم عظیم کاری که در قیاس با نیروها بر دوش دارند و این که این حجم همچنان روند فزاینده را طی می‌کند از یک‌طرف، و اهرم قدرتی که به‌واسطه‌ی قدرت قانونی و حمایت دولتی برخوردارند، اولاً بر مؤسسات حسابرسی خصوصی سایه افکنده‌اند، ثانیاً از مکانیسم‌های سخت نظارتی و

کنترل کیفی که بر مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی حاکم است به دور و آسوده‌اند.

انجمن حسابداران خبره ایران که در قیاس یک انجمن مردم‌نهاد (NGO) است و علی‌القاعده باید فارغ از بسیاری قید و بندها و با استقلال عمل به اعتلای حرفه بپردازد، جدا از مرکز آموزش حسابداران خبره (PACT) که به میزانی در حوزه‌ی آموزش تأثیرگذار بوده است، نقش چندانی ایفا نمی‌کند. انجمن از بنیه‌ی مالی مناسبی برخوردار نیست، برخلاف انجمن‌های مشابه در سایر کشورها کار پژوهشی و انتشاراتی چشم‌گیری ندارد و از تعامل با سرچشمه حسابداری، یعنی فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) بی‌بهره است و اساساً در آنجا محلی از اعراب ندارد.

عارضه‌ی دوم وضع و حال مؤسسات حسابرسی ما است که با مسایل و مشکلاتی عدیده دست به گریبان‌اند و بدین جهت کار حسابرسی را باید جزء کارهای پر مشقت محسوب کرد. ریسک‌ها و آسیب‌پذیری‌های ناشی از مسئولیت‌های حقوقی، نیرو و انرژی که باید مصروف پاسخ‌گویی به نهادها و مراجع ناظر رنگارنگ از جمله مراجع قضایی، جامعه‌ی حسابداران رسمی، بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی (در مورد شرکت‌های بورسی و بانک‌ها) به اندازه‌ی کافی آنان را با معضل و دشواری مواجه می‌سازد. عدم تناسب حق‌الزحمه‌ها با تخصصی بودن و سختی کار مشکل دیگری است که بنیه‌ی مالی مؤسسات برای پاسخ‌گویی مناسب به نیروها و ایجاد انگیزش در آنان و اخیراً تأمین هزینه‌ی اجاره‌ی ماهانه‌ی محل کار را دشوار ساخته و خرید دفتر کار و برخورداری از حاشیه‌ی امن را در شرایط تورمی کنونی برای مؤسساتی که فاقد مالکیت دفتر کار خویش‌اند ناممکن ساخته است.

تعداد مؤسسات و وجود بالغ بر ۲۸۰

مؤسسه حسابرسی خرد و کلان نیز پدیده‌ای نامطلوب و تقریباً استثنایی است که موجب پراکندگی نیروها و عدم بهره‌مندی جامعه‌ی حرفه‌ای از مؤسسات بزرگ و توانمند است که بتوانند با استحکام بیش‌تر به ارائه خدمات مؤثر و با کیفیت و پرورش نیروهای کارآمد بپردازد.

مشکل پایان‌ناپذیر دیگر یافتن نیروهای کارآمدی است که باید گفت «آن را که یافت می‌نشود، آن‌ام آرزوست» و از آن دشوارتر حفظ نیروهاست که پس از صرف وقت و هزینه‌های قابل‌ملاحظه برای آموزش و یادگیری آنان، در پی شرایط اقتصادی بهتر مؤسسه را رها می‌کنند و جایگزینی آنان، خود حدیث رنج‌باری است.

و نکته‌ی آخرین در مورد مؤسسات حسابرسی این‌که با یکدیگر هم‌دلی و تعامل ندارند و گاه متأسفانه در رقابت‌های ناسالم و قیمت‌شکنی قرار می‌گیرند که حاصل آن آثار زیانبار برای همگان است.

طرح یک تجربه‌ی شخصی را در این مورد ضروری می‌دانم. پیش از انقلاب در دفتر تهران یکی از مؤسسات حسابرسی بین‌المللی در سمت مدیر (Manager) فعالیت داشتیم و در نشست‌های مشترک شرکا و مدیران مؤسسات مختلف که در آن زمان انگشت‌شمار بودند و فعالیت‌های اجتماعی و گردهمایی‌های آنان در یک مرکز فرهنگی-ورزشی، حضور داشتیم. در این نشست‌ها علاوه بر ابراز دوستی‌ها و صمیمیت‌ها، مسایل مشترک طرح و تجارب منتقل می‌شد.

عارضه‌ی بعدی، نظام آموزشی نابه‌سامان دانشگاهی ما است که در رشته‌ی حسابداری همانند بسیاری از رشته‌های دیگر، دانش‌آموختگان با کیفیت از آن کارخانجات به بازار کار عرضه نمی‌شوند. مشکل اولیه در این باب این است که هنوز رشته‌های پزشکی و مهندسی و اخیراً تکنولوژی

اطلاعات در قیاس با حسابداری از مطلوبیت کم‌تری برخوردار است و لذا داوطلبان ممتاز تحصیلات حسابداری اقبال در خود نشان نمی‌دهند و در نتیجه این رشته از ورودی‌های بالنسبه با کیفیت‌تر محروم می‌ماند. روشن است که این امر بدان علت است که رشته‌ی حسابداری و عاقبت حسابداران هنوز از ایماژ و تصویر مطلوبی در ذهن جامعه برخوردار نیست.

دانش‌آموختگان رشته حسابداری، حتی از دانشگاه‌های دولتی و معتبر از عمق دانش حسابداری بی‌بهره‌اند و نهایتاً آموزش جدی در اصطلاحاً در چارچوب «استاد شاگردی» مجدداً آغاز می‌کنند.

تجربه‌ی دانشکده‌ی شرکت نفت در زمان ریاست مرحوم استاد سجادی‌نژاد که برنامه‌ی درسی انجمن حسابداران خبره‌ی انگلستان را با برخی مباحث بومی (مانند حقوق مدنی، قانون کار و قانون مالیات‌ها) تلفیق و تدریس می‌کردند و در کنار تحصیل، کارآموزی در مؤسسات حسابرسی بزرگ و امور مالی بخش‌های مختلف صنایع نفت آن زمان الزامی کرده بود، تجربه‌ی مفید و کارسازی بود که فارغ‌التحصیلان را به ظرفیت‌های لازم برای شروع کار مؤثر آنان در بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات حسابرسی فراهم می‌ساخت.

سخن آخر این‌که این عارضه‌یابی اجمالی، به نوعی راهکارها را اگر به مفهوم عکس مشکلات در نظر بگیریم دربر دارد. اما یافتن راهکارهای جامع و تهیه‌ی نقشه‌ی راه برای برون‌رفت از این مشکلات که حرفه را آسیب‌پذیر ساخته و رو به زوال می‌برد، محتاج هم‌اندیشی نهادهای متولی حرفه، پیش‌کسوتان مؤسسات حسابرسی و اساتید حسابداری دانشگاه‌ها است. در این راستا ضروری است که از رهنمودهای ایفک، تجارب انجمن‌های حرفه‌ای کشورهای پیشرفته و منطقه‌ی آسیا که به‌رایگان در اختیار ما قرار دارد بهره‌مند شویم.